

# برای تو با نوبی دموکراسی ایران

برگردان شعرهایی از والت ویتمن با امید استقرار دموکراسی در  
ایران  
یادداشت و برگردان از حمید اکبری

سه‌شنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۳۸۹ - ۴ می ۲۰۱۰

یادداشت:

برگردان شعرهای زیر را به استاد، آقای دکتر هوشنگ کشاورز صدر، که مرد اندیشمند و خستگی ناپذیر راه دموکراسی برای ایران است تقدیم می‌نمایم. دکتر کشاورز صدر چهره‌ی شناخته شده و متواضعی است که از نوجوانی با پیمودن راه مصدق درنیل به هدف استقرار آزادی و دموکراسی در ایران که بیش از جانش دوست می‌دارد همواره اندیشیده و کوشیده است. او درکنار دانش وسیع اش در زمینه‌های گوناگون، بی‌شک از برجسته‌ترین دانشمندان جامعه روستایی ایران است و انقلاب مشروطه را نیز به دقت می‌شناسد.

اندیشه‌وری از ویژگی‌های ممتاز دکتر کشاورز صدر است. سخنی را نسنجیده نمی‌گوید و موارد و مشکل‌های جامعه ایران را با تاملی ژرف مورد شناسایی و بحث قرار می‌دهد. تمثیل کلامش در میان همه‌ی ایرانیان سرشناسی که دیده‌ام بی‌مانند است و بر جان و خرد شنونده می‌نشیند. در قضاوت در باره‌ی شخصیت‌های تاریخی و سیاسی هرگز جنبه‌ی اعتدال را کنار نمی‌گذارد و مانند استادش، غلامحسین صدیقی، شرط انصاف را پیشه‌ی خود کرده است. در رفتار و اخلاق، دموکرات منش و بزرگواری است و در دوستی اش بی‌همتا. در مورد وی می‌بایست بیش از این گفت و نوشت. در اینجا با ارج‌گذاری بر راهنمایی‌ها و بزرگواری‌هایش نسبت به شاگردان و یاران‌ش، این امر را به آینده می‌سپارم.

## والت ویتمن\*:

((والت ویتمن (1819-1892) شاعری است با صدایی اصیل برای دموکراسی در آمریکا. در پی سپری کردن دوران کودکی در بروکلین، او سال‌های بسیار را درمانهاتان و واشنگتن گذراند. در همان سالها بود که ویتمن از نزدیک شاهد بازگشت سربازان از جبهه‌های جنگ داخلی آمریکا بود و در بیمارستان‌ها از زخمی‌ها مراقبت می‌کرد. انسانیت فراگیر ویتمن و عشق به زندگی شهری (به ویژه مانهاتان)، همدرد بودن با همه‌گونه مردمان و درک دوراندیشانه و به نوعی پیشگویانه اش از

واقعیت ((رویای آمریکایی))، از او شاعری ساخته است که مانند دوره  
ی جنگ داخلی، همچنان با روزگار امروز نیز مربوط است.))

\*این نوشته ی کوتاه در باره ی والت ویتمن و نیز برگردان های زیر  
از کتاب ((من ترنم های آمریکا را می شنوم: شعرهای والت ویتمن  
برای دموکراسی، مانهاتان و آینده، چاپ نشرهنرشاعری انویل -  
نیویورک)) برگرفته شده است.

((برای تو [بانوی] دموکراسی [ایران]))

به این سو بیا، برایت قاره را گسست ناپذیر می سازم،

برایت پرشکوه ترین نژادی که تا کنون خورشید برآن تابیده است را  
خواهم ساخت،

برایت سرزمین هایی با جاذبه ایزدی می سازم،

تنیده با عشق یاران،

تنیده با عشق یاران به بلندای عمرشان.

برایت همراهانی تنومند به سان درختان روییده بر کنار همه رودخانه  
های آمریکا [و ایران] و نیز در کرانه های دریاچه های پنجگانه [و  
دریای خزر و خلیج فارس] و در همه ی چمنزارها خواهم کاشت،

برایت شهرهایی جدایی ناپذیربا دستانی برگردن یکدیگر خواهم ساخت،

بوسیله عشق یاران،

با عشق مردانه یاران.

همه اینها برای توست از جانب من، ای دموکراسی، برای خدمت به تو  
بانوی من!

برای تو، برای توست که این آوازه را چهچه می زنم.

((به کشورها))

به همه ی کشورها و یا هر یکی از آنها و یا هر شهری در آنها،

اطاعت کم بدار و مقاومت فزونی دار،

یکبار اطاعت بی چون و چرا، و همانا برده ی کامل شدن،  
یکباره برده ی کامل شدن، و همانا که هیچ کشور، ملت و شهری در این  
جهان

دیگر رهایی نیابد.

((رویایی اندر رویا داشتن))

من در رویایی اندر رویا، شهری شکست ناپذیر در مقابل هجوم همه  
زمین دیدم،

در رویایم شهرنویسی بود ملامت از دوستان،

و در آن هیچ کیفیتی والاتر از قوت عشق نبود،

عشقی که هدایتگر همه چیز و همه کس بود،

عشقی که در هر ساعت در کردار مردمان آن شهر هویدا بود،

و در همه ی گفتار و نگاهشان.

((پیروزمندان راستین))

کشاورزان، مسافران و کارگران کهنسال (با همه ی زمینگیری و  
خمیدگی)،

ملوانان کهنسال بازگشته از بسیار سفرهای مخاطره آمیز دریایی و  
طوفان و کشتی های در هم شکسته،

سربازان بازگشته از میدان های جنگ، توام با شکست ها و مملو از  
زخم ها و خراش ها،

همان بس که اینان نجات یافتگانند - بی تزلزل ماندگان زندگانی  
دراز!

و بر فراز تقلاها، آزمایش ها و مبارزاتشان است که پدیدار شده اند  
- که همین به تنهایی،

آنها را پیروزمندانی راستین می سازد.

((من برای مدتی دراز جستجو می کردم))

من مدتی دراز برای یافتن ((مقصود ها)) جستجو می کردم،

برای یافتن سرخی که گره معمای تاریخ گذشته را برای خودم بازگشایی کنم و نیز برای این نغمه ها - و اکنون آنرا یافته ام،

آنرا در برگ های قصه های کتابخانه نیافته ام، (قصه هایی که من نه قبول و نه رد می کنم،)

و آنرا بیش از اسطوره ها در همه جای دیگری یابی،

آنرا در حال حاضر می یابی، بر روی زمین در همین امروز،

آنرا در دموکراسی می یابی - (هدف و منظور همه ی گذشته،)

در زندگانی یک مرد و یا یک زن در همین امروز است - آدم معمولی امروز،

در زبان ها، آداب و رسوم اجتماعی، ادبیات و هنر است،

در نمایشگاه گسترده ای از ساخته های دست بشر است: کشتی ها، ماشین ها، سیاست، آیین، پیشرفت های مدرن و مبادله میان

ملت ها،

همه برای روزگار مدرن، برای مردمان معمولی امروز.